



سهراب شهید ثالث

به نظر نویسنده‌ی کتاب، بسیاری از فیلم‌سازان موفق سینمای ملی راهی دنیای غرب می‌شوند و رنج نوستالژی را تحمل می‌کنند تا بتوانند در فهرست فیلم‌سازان غربی جایی برای خود دست و پا کنند. در این شرایط، فیلم‌ساز ملی به دو گونه می‌تواند انگیزه‌ی جهانی شدن خود را پاسخ دهد؛ یا الگوی فیلم ساختن به روش هالیوود در آمریکا را بپذیرد یا اینکه به سوی سلیقه‌ی اروپایی و جشنواره‌های معتبر سینمایی اروپا رو کند

رشته‌های مختلف، شاعران و داستان‌نویسان مهاجر زیادی وجود دارند که به تولید آثار هنری و فرهنگی در رابطه با سرزمین اولیه‌ی خود می‌پردازند. موضوع اصلی آثار آنان شامل تفاوت‌های فرهنگی، چگونگی روند پذیرش در جامعه تازه، شکل‌گیری هویت‌های متکثر و دشواری‌های مربوط به تبعیض‌های اجتماعی می‌باشد.

کتاب در غربت، بحثی پیرامون سینمای مهاجرت و تبعیدی ایران به این موضوع مهم می‌پردازد و از معدود آثار در این زمینه به زبان فارسی است که در داخل کشور منتشر شده است. نویسنده که خود زندگی در خارج از ایران را تجربه کرده است به خوبی با فضای فرهنگی جوامع ایرانی در خارج از مرزهای جغرافیایی و سیاسی کشور ایران آشناست.

ویژگی اصلی کتاب را می‌توان در این محور جست‌وجو کرد که تحولات فیلم‌سازی ایرانیان خارج کشور، مرتبط با دگرگونی‌های فیلم‌سازی در داخل ایران مورد بررسی قرار گرفته است و در این بررسی، شباهت‌های ساختاری این دو جامعه مورد توجه واقع شده است.

فصل اول کتاب به موضوع‌های اساسی پیوستگی سینما با سیاست و انگیزه فیلم‌سازان مهاجر برای گذر از چرخه‌ی تولید در سینمای ملی و پیوستن به گردونه‌ی ساختن فیلم‌های جشنواره پسند پرداخته است.

به نظر نویسنده‌ی کتاب، بسیاری از فیلم‌سازان موفق سینمای ملی راهی دنیای غرب می‌شوند و رنج نوستالژی را تحمل می‌کنند تا بتوانند در فهرست فیلم‌سازان غربی جایی برای خود دست و پا کنند. در این شرایط، فیلم‌ساز ملی به دو گونه می‌تواند انگیزه‌ی جهانی شدن خود را پاسخ دهد؛ یا الگوی فیلم ساختن به روش هالیوود در آمریکا را بپذیرد یا اینکه به سوی سلیقه‌ی اروپایی و جشنواره‌های معتبر سینمایی اروپا رو کند.

به طور کلی، از یک سورش و وسایل ارتباطی نوین، گسترش شبکه‌های حمل و نقل، سهولت جابه‌جایی، افزایش آگاهی‌های عمومی نسبت به حقوق فردی و اجتماعی از عوامل مهم در ظهور و افزایش پدیده‌ی مهاجرت در دنیای امروز بوده، به نحوی که به تدریج پدیده‌ی مهاجرت به امری اجتناب‌ناپذیر و کاملاً عادی مبدل شده است. از سوی دیگر، تجمع ثروت‌های عظیم اقتصادی و علمی در تعدادی از کشورهای صنعتی و فوق‌صنعتی باعث شده است که این کشورها بیشترین تعداد متقاضی را برای مهاجرت داشته باشند.

از مسائل مهم و شایع در میان مهاجرانی که جامعه‌ی خویش را ترک کرده و موفق شده‌اند به جامعه‌ی جدید وارد شوند، مسئله انطباق فرهنگی است که در تفاوت‌های زبانی، عدم توانایی در برقراری ارتباط، تفاوت‌های اخلاقی، رفتاری، آداب و رسوم و ده‌ها موضوع دیگر ریشه دارد. همه‌ی این دشواری‌ها باعث می‌شود که احساس بیگانگی بودن که غالباً در اغلب مهاجران وجود داشته باشد به صورت غم غربت (نوستالژی) بروز پیدا می‌کند. این عارضه به خصوص برای نسل اول مهاجران آن قدر شدید است که باعث می‌شود آنها در رویای بازگشت به زادگاه خویش به سر می‌برند و از آن یک جغرافیای تخیلی برای خویش می‌سازند. نسل‌های بعدی این مهاجران، پس از موفقیت در روند جامعه‌پذیری، دیگر نوستالژی سرزمین اولیه را ندارند و فقط با جغرافیای تخیلی آن سروکار دارند.

امروزه، ادبیات و هنر مهاجران، بخش مهم و بزرگی از آثار فرهنگی در جوامع مختلف را تشکیل می‌دهد. دیگر، اسطوره‌ی یهودی سرگردان، تنها نمونه‌ی انسان‌های مهاجر که در شهر و کشورهای مختلف با چمدان‌هایشان در حرکت‌اند، محسوب نمی‌شود، بلکه هنرمندان

نگاهی به سینمای مهاجرت

میناشادان



در دنیای امروز، پدیده‌ی مهاجرت با آنچه در طول تاریخ بوده است تفاوت ماهوی دارد. سیر مهاجرت از کشورهای مبدا به کشورهای مقصد که عمدتاً کشورهای پیشرفته‌ی اروپای غربی یا آمریکای شمالی است، از پایان جنگ دوم جهانی رشد شتابان داشته است. به طوری که در حال حاضر به معضلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در کشورهای مقصد دامن زده است. در ابتدا، این مهاجران، کارگران یا نیروی کار ارزانی بودند که سرزمین اصلی خویش را ترک می‌کردند تا در برخی کشورهای اروپایی برای بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ استخدام شوند. علاوه بر آنها، نخبگان علمی و اقتصادی و چهره‌های برتر ورزشی نیز اغلب با میل خویش، به منظور کسب موقعیت‌های مناسب برای پیشرفت، کشورهای خویش را به دلیل نداشتن امکانات کافی ترک می‌کردند و به کشور دیگری مهاجرت می‌نمودند.

دسته‌ی دیگری از مهاجران را افرادی تشکیل می‌دادند که در نتیجه‌ی تحولات اجتماعی، وقوع انقلاب‌های سیاسی و رخ دادن جنگ‌ها مجبور می‌شدند که برای نجات جان خویش سرزمین مادری را ترک کنند و به سایر نقاط دور و نزدیک بگریزند. به این عده در اصطلاح، پناهجویان یا پناهندگان اطلاق شده است. در نتیجه‌ی اقدامات حکومتی نیز برخی مخالفان سیاسی، مجبور می‌شوند به صورت ناخواسته، وطن خویش را ترک کنند و همانند یک محکوم به کشور دیگری تبعید شوند. بنابراین، سه مفهوم مهاجر، پناهنده و تبعیدی را می‌توان وضعیت‌های به هم پیوسته‌ای در نظر گرفت که مرتباً به یکدیگر تبدیل می‌شود، از این رو، در نظر گرفت از لحاظ روابط بین الملل و حقوق شهروندی نه تنها برای کشور مبدأ بلکه برای کشور مقصد نیز مسائلی را پدید می‌آورد.



در غربت،
بحثی پیرامون سینمای مهاجرت و تبعیدی ایران
ندا بجنوردی
نشر نی

اغلب ما داستان‌های زیادی درباره‌ی سفر ماجراجویان مهاجر به سرزمین‌های ناشناخته برای به دست آوردن ثروت یا سایر امکانات مادی شنیده یا خوانده‌ایم. اما فارغ از این افراد، بنابر یک روند طبیعی، در طول تاریخ همواره گروه‌هایی از مردم و اقوام مختلف، سرزمین اصلی و زادگاه خویش را ترک می‌کردند تا در شرایط زیست مناسب‌تری بتوانند به حیاتشان ادامه دهند.

در پی این جا به جایی، چه بسا جنگ‌های خونینی نیز با ساکنان سایر سرزمین‌ها در می‌گرفت و اغلب در نتیجه‌ی تأثیر تازه واردان در جامعه‌ی جدید و ترکیب با ساکنان اولیه، تحول فرهنگی و دگرگونی در ساختار سازمان‌های اجتماع رخ می‌داد که این موضوع، رشد و توسعه‌ی عوامل تمدنی را باعث می‌شد.

بدیهی است تمامی این مهاجرت‌ها با تصمیم‌گیری مهاجران رخ نمی‌داد و چه بسا حاکمان برای تضعیف برخی قبایل و اقوام، آنها را به جابه‌جایی و انتقال به سرزمینی بیگانه وادار می‌کردند. در این صورت مفهوم ترک اجباری وطن به وجود می‌آید که از آن به تبعید یاد می‌کنند. دو مفهوم مهاجرت و تبعید چه به صورت فردی یا گروهی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و گاه به یکدیگر نیز تبدیل می‌شوند.



امیر نادری

نویسنده‌ی کتاب معتقد است زمانی که چنین فیلم‌هایی به جشنواره‌های جهانی راه می‌یابند، فیلم‌ساز دچار وسوسه خروج از کشور می‌گردد و در نتیجه دیگر نمی‌تواند در سطح سینمای ملی باقی بماند. بدین ترتیب، زمینه‌ی مهاجرت او فراهم می‌آید

حکومت‌های غیر دموکراتیک بنا بر یک سیاست فرهنگی مایل هستند فیلم‌سازان دگراندیش داخل کشور، با ساختن فیلم‌هایی که جشنواره‌های جهانی می‌پسندند، موجب اعتبار فرهنگی و هنری‌شان شوند. از سوی دیگر، این حکومت‌ها به هیچ وجه اجازه‌ی نمایش آن فیلم‌ها را در داخل کشور و برای مخاطبان داخلی نمی‌دهند اما به صورت‌های پنهان و آشکار امکان خروج فیلم‌ها و نمایش آن‌ها را در جشنواره‌های معتبر سینمایی فراهم می‌سازند.

در این خصوص نویسنده‌ی کتاب معتقد است زمانی که چنین فیلم‌هایی به جشنواره‌های جهانی راه می‌یابند، فیلم‌ساز دچار وسوسه خروج از کشور می‌گردد و در نتیجه دیگر نمی‌تواند در سطح سینمای ملی باقی بماند. بدین ترتیب، زمینه‌ی مهاجرت او فراهم می‌آید. حتی برای برخی از این فیلم‌سازان اعتبار جهانی به دست آمده باعث می‌شود که دیگر نتوانند در کشور خویش احساس آسودگی داشته باشند، از این رو، می‌کوشند از کشورشان خارج شوند و در فهرست فیلم‌سازان جهانی قرار گیرند. به نظر نویسنده‌ی کتاب، همین احساس نارضایتی در مرزهای وطن را باید گام نخست در جهت تبعید خود خواسته‌ی فیلم‌سازان ملی دانست.

به عقیده‌ی نویسنده‌ی کتاب، فیلم‌سازان جهان‌سومی اغلب برای در پیش گرفتن دستور عمل‌های فیلمسازی به شیوه‌ی هالیوود مشکلات فراوانی پیدا خواهند کرد، لذا پیوستن به سلیقه اروپایی آسان‌تر به نظر می‌رسد. به همین خاطر، فیلم‌سازانی که وطن خویش را ترک می‌کنند، می‌کوشند با ساختن فیلم‌هایی که هدفش به نمایش درآمدن در جشنواره‌های اروپایی است، به ارایه‌ی توانایی‌های هنری‌شان دست یابند. غالباً انتخاب این مسیر، پیش از مهاجرت فیلم‌سازان و در داخل کشور مبدأ شکل می‌گیرد، زیرا بسیاری از فیلم‌سازان پس از پذیرفته شدن آثارشان در جشنواره‌های سینمایی اروپا، کم‌کم با مخاطبان داخلی قطع ارتباط کرده و آثارشان را با توجه و آگاهی به این امر که مخاطبانی در خارج کشور و در میان نخبگان هنری اروپا خواهند داشت می‌سازند. روند مذکور پس از آنکه استعداد این فیلم‌سازان توسط اروپایی‌ها کشف شد و تهیه‌کنندگان خارجی هزینه لازم تولید فیلم را در اختیار فیلم‌سازان مستعد قرار دادند، شتاب بیشتری پیدا می‌کند.

با مروری کوتاه بر تاریخ سینما، در خواهیم یافت که سینما همواره در چنبره‌ی سیاست گرفتار بوده است. قدرت اجتماعی سینما آشکار است و همین قدرت است که به آن خصلت سیاسی داده است، به گونه‌ای که